

عراق و میزان پای بندی آن به حقوق مخاصمات مسلحانه و بشر دوستانه در جریان جنگ هشت ساله

صالح رضایی

مقدمه

زمانی برخی از صاحب نظران بر این باور بودند که جنگ و تخصیص، پایان ملاحظه و رعایت هر قانون و قاعده حقوقی است و با وقوع جنگ بین دو دولت دیگر نمی توان از آنها انتظار داشت که به قوانین و مقرراتی که در زمان صلح از راه توافق پدید آمده است، پای بند باشند،^۱ اما امروز، دیگر این نظر و باور پذیرفته نیست و سمت و سوی تحولات جامعه بین المللی در جهتی حرکت کرده است که جنگ ها و مخاصمات مسلحانه را نیز به نظم و قانون کشیده و قواعد و مقررات لازم الرعایه ای را برای دوطرف مخاصمه مقرر کرده است. امروزه، حقوق مخاصمات مسلحانه* و حقوق بشر دوستانه** دیگر به دو طرف منازعات مسلحانه اجازه نمی دهد که برای دستیابی به اهداف نظامی و غلبه بر دشمن خود به هر شیوه و ابزار جنگی متوسل شوند و مقررات و اصول اخلاقی و انسانی را به راحتی نادیده بگیرند. مطابق این حقوق، متخاصمان باید سلسله قواعد و مقرراتی را در جبهه های نبرد رعایت کنند که به قول دیوان بین المللی دادگستری: «فلسفه وجودی و هدف اساسی آنها انسانی و اخلاقی کردن جنگ ها و رفتارهای جنگی است».^۲

اعلامیه ۱۸۵۶ پاریس که درباره قواعد جنگ دریایی است سرآغاز حرکت جامعه بین المللی به سمت تدوین مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بشردوستانه

به حساب می آید. اعلامیه مزبور، راهزنی دریایی را تحریم کرد و اموال اتباع دشمن را که با کشتی های بی طرف حمل می شدند، از هر نوع تعرض مصون اعلام کرد.^۳ بعد از این اعلامیه، عهدنامه ژنو مورخ ۲۲ اوت ۱۸۶۴ مربوط به حمایت از مجروحان، بیماران جنگی و کارکنان بهداشتی، اعلامیه سن پترزبورگ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۸۶۸ راجع به ممنوعیت استفاده از گلوله های انفجاری کالیبر کوچک، اعلامیه نهایی کنفرانس بروکسل مورخ ۱۸۷۴ درباره مقررات و رسوم جنگ، عهدنامه های لاهه مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ راجع به حقوق جنگ های دریایی و زمینی، عهدنامه ۱۹۰۴ لاهه درباره مصونیت کشتی های بیمارستانی و عهدنامه های ۱۹۰۷ (شامل سیزده عهدنامه) در زمینه حقوق جنگ و بی طرفی، از جمله اسناد بین المللی ای بودند که درباره حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه تدوین، منعقد و اجرا شدند. پس از جنگ جهانی اول، هم تلاش های بین المللی برای انسانی و اخلاقی کردن جنگ ها و منازعه های مسلحانه از راه تدوین اسناد و مقررات ادامه یافت و هم معاهدات، عهدنامه ها و اعلامیه های دیگری منعقد و اجرا شد. عهدنامه واشنگتن مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲ در زمینه تحدید سلاح های دریایی و محدود کردن تعداد کشتی های جنگی و عدم استفاده از زیردریایی، پروتکل ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۵ راجع به منع

* Law of armed Conflicts

** Humanitarian law

استعمال گازهای خفغان آور، سمی یا مشابه آنها و نیز مواد میکروبی؛ عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ درباره رفتار با مجروحان یا بیماران و سرنوشت اسیران جنگی؛ پروتکل لندن مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۳۰ مربوط به قواعد جنگ دریایی؛ قرارداد مورخ ۱۹۳۵ در زمینه حفاظت از بناهای تاریخی و مراکز علمی و هنری در زمان جنگ و پروتکل لندن مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۶ در زمینه ممنوعیت حمله به کشتی‌های بازرگانی از سوی زیر دریایی‌ها، از جمله اسنادی بودند که منعقد گردیدند تا پاره‌ای از خلاءهای حقوق مخاصمات مسلحانه را که جامعه بین‌المللی در جریان جنگ جهانی اول با آنها روبه‌رو شده بود، پرکند.^۲

جریان‌هایی، تفکر قانونمند کردن جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه پس از جنگ جهانی دوم نیز هم‌چنان ادامه یافت و اسناد و معاهدات متعدد دیگری تدوین و اجرا شد. کنوانسیون‌های چهار گانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی آن (۱۹۷۷)، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در زمینه حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ، کنوانسیون ۱۹۷۷ در زمینه ممنوعیت استفاده خصمانه از تکنیک‌های تغییر محیط زیست طبیعی، کنوانسیون ۱۹۸۱ درباره منع یا محدودیت استفاده از برخی از سلاح‌های کلاسیک و نیز کنوانسیون ۱۹۸۸ درباره ممنوعیت تولید، انباشت و استفاده از مین‌های ضد نفر از جمله اسنادی هستند که در این دوره زمانی،

پس از جنگ جهانی دوم بعضی از صاحب‌نظران و حقوق‌دانان بر این باور بودند که جنگ صرفاً یک جنایت است و جنایت را نباید تحت نظم و قاعده در آورد، بلکه باید برای آن مجازات تعیین کرد یا این که از وقوعش جلوگیری به عمل آورد

پس از پایان جنگ جهانی دوم و ممنوع شدن صریح توسل به زور یا تهدید توسل به آن (به استثنای دفاع مشروع و اقدامات قهری در چهارچوب فصل هفت منشور) در منشور ملل متحد، برخی از صاحب‌نظران و حقوق‌دانان این فکر و اندیشه را مطرح کردند که به نظم و قاعده در آوردن پدیده جنگ و مخاصمات مسلحانه که اصل آن منع و غیرقانونی اعلام شده است، صحیح و منطقی نیست و تدوین مقررات و قواعدی که بر جنگ‌ها حاکم باشد به نوعی اعتراف ضمنی به مشروعیت آنهاست و این امر به نوبه خود با فلسفه وجودی اصل ممنوعیت توسل به زور، پذیرفته شده در منشور ملل متحد متناقض می‌باشد. از دیدگاه این صاحب‌نظران و حقوق‌دانان، جنگ صرفاً یک جنایت محسوب می‌شد و جنایت را نباید تحت نظم و قاعده در آورد، برای جنایت یا باید مجازات تعیین کرد یا این که از وقوع آن جلوگیری به عمل آورد.

ممنوعیت توسل به زور، مقرر شده در منشور ملل متحد از وقوع جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه بین دولت‌ها جلوگیری نکرد و جامعه بین‌المللی خیلی زود به این واقعیت پی برد که وقوع جنگ در میان دولت‌ها، به دلیل اختلاف منافع و عقاید، تقریباً اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین، نمی‌توان به ممنوعیت‌های حقوقی مندرج در اسناد بین‌المللی دلخوش کرد و از قانونمند کردن جنگ‌ها و منازعات مسلحانه غافل شد. در پرتو چنین واقعیت‌ها و

تدوین شدند.

در شهریور ماه ۱۳۵۹، رژیم عراق با آگاهی از تمامی این مقررات، سرزمین جمهوری اسلامی ایران را هدف حمله مسلحانه خود قرارداد و افزون بر نقض اصول احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشور ما و منع توسل به زور در روابط بین‌الملل، بسیاری از مقررات لازم‌الاجرای مزبور را نیز در جریان جنگ تحمیلی زیر پا نهاد و نتیجه تلاش چندین ساله جامعه بین‌المللی را که برای اخلاقی و انسانی کردن جنگ‌ها انجام شده بود، به استهزاء و سخره گرفت. در طول هشت سال جنگ تحمیلی، این رژیم با حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامی، هواپیماهای مسافربری، نفت‌کش‌ها و کشتی‌های تجاری و هم‌چنین به کارگیری سلاح‌های ممنوع علیه نظامیان و غیرنظامیان نشان داد که در درگیری‌های مسلحانه، به هیچ اصل و قاعده انسانی و اخلاقی اعتقاد ندارد و حاضر نیست برای پیشبرد اهداف نظامی نامشروعش هیچ گونه قاعده حقوقی را رعایت کند. در این مقاله، بررسی و توضیح و تفسیر تمامی موارد نقض حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه از سوی عراق در طول جنگ تحمیلی هشت ساله امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، به بررسی دو نمونه از به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و نقض مقررات مربوط به حمایت از غیرنظامیان و امکان غیرنظامی‌بسنده می‌کنیم.

نقض قوانین و مقررات مربوط به کاربرد سلاحهای

غیر متعارف

حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه به دو طرف درگیریهای مسلحانه اجازه نداده است که برای پیشبرد اهداف و برنامههای جنگی خود به هر نوع سلاح یا وسیله جنگی متوسل شوند. این حقوق از همان آغاز پیدایش خود در عصر نوین، با هدف انسانی و اخلاقی کردن جنگ و به حداقل ممکن رساندن آلام و دردهای جانبی آن، سعی کردهاند به کارگیری آن دسته از سلاحهایی را که موجب درد و رنج بیهوده می شوند و بر نیروهای رقیب آسیبهایی غیرضروری وارد می آورند، ممنوع کنند. حرکتها و تلاشهای حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه برای تدوین و اجرا کردن مقرراتی که کاربرد سلاحها با ویژگی یاد شده را ممنوع کند تقریباً به سالهای میانی قرن نوزدهم برمی گردد. در ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸، اعلامیه سن پترزبورگ به عنوان نخستین سند در این زمینه صادر شد. طبق این اعلامیه، استعمال گلولههای انفجاری کالیبر کوچک در زمان جنگ ممنوع است.^۵ ماهیت این گلوله طوری است که پس از اصابت به هدف، منفجر می شود و با ایجاد بیماریهای روانی، از دست رفتن مایعات بدن و عفونت، وارد آوردن جراحات شدید و شوک بر نیروی متقابل صدمه می زند. در ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ نیز، اعلامیه دیگری در کنفرانس لاهه در زمینه سلاحهای انفجاری صادر شد. طبق این اعلامیه، کاربرد گلولههای افشان یا پخش شونده معروف به دام - دام* در جنگها جایز نیست. خاصیت گلولههای دام - دام به گونه ای است که بلافاصله پس از اصابت به بدن منفجر و باعث پارگی و جراحت بسیار شدید می شود.^۶ در نهایت، سومین دسته از گلولههای انفجاری که کاربرد آنها در حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه منع شده است، گلولههایی است که از فراز آسمان و بالن پرتاب و پس از برخورد به هدف منفجر می شوند. ممنوعیت کاربرد این گلولهها، نخستین بار در اعلامیه ۱۸۹۹ لاهه مقرر شد و سپس در اعلامیه ۱۹۰۷ نیز، مورد تأیید و تأکید قرار گرفت. ممنوعیتهای مقرر شده درباره سلاحها تنها به سلاحها و گلولهها انفجاری محدود نمی شود و حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه افزون بر آنها، کاربرد برخی دیگر از سلاحها را نیز در درگیریهای مسلحانه منع کرده است. سلاحهای شیمیایی و میکروبی از جمله سلاحهایی هستند که حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه کاربرد آنها

را در مخاصمات مسلحانه منع کرده است. در این زمینه در سال ۱۹۲۵، پروتکلی در ژنو تدوین شد و طی مقررات خود، به صراحت کاربرد چنین سلاحهایی را در مخاصمات مسلحانه ممنوع اعلام کرد. طبق این پروتکل که در سال ۱۹۲۸ لازم الاجرا شد، کاربرد هر گونه اسلحه ای که متضمن گازهای خفغان آور، سمی یا مشابه آنها و نیز کلیه مایعات، مواد و شیوههای مشابه آن است، ممنوع می باشد و دوطرف درگیر در مخاصمات مسلحانه، برای پیشبرد اهداف و برنامههای نظامی خود مجاز نیستند چنین سلاحهایی را به کار ببرند، بعدها مقررات پروتکل ۱۹۲۵، با انعقاد کنوانسیون ممنوعیت ساخت، تولید، انباشت و به دست آوردن و نگهداری سلاحهای بیولوژیک و سمی در سال ۱۹۷۲^۷ و کنوانسیون ممنوعیت ساخت، تولید، انباشت و کاربرد سلاحهای شیمیایی در سال ۱۹۹۳ تکمیل شد و توسعه یافت.^۸ امروز اسناد مربوط به ممنوعیت کاربرد سلاحهای شیمیایی، میکروبی و انفجاری از مهم ترین مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه به شمار می آیند. دیوان بین المللی دادگستری در رأی ۱۹۹۶ خود راجع به مشروعیت کاربرد سلاحهای هسته ای، این نکته را یادآور شد و لزوم رعایت بی قید و شرط آنها را در درگیریهای مسلحانه تأیید کرد.^۹ درباره سلاحهای هسته ای نیز باید گفت، هر چند دیوان کاربرد آنها را در مخاصمات مسلحانه به طور مطلق ممنوع اعلام نکرد، اما به اتفاق آراء اظهار داشت که: «استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور از راه سلاحهای هسته ای که خلاف بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد است و مطابق با مقررات مندرج در ماده ۵۱ منشور نمی باشد، غیر قانونی است کاربرد یا تهدید به کاربرد سلاحهای هسته ای باید با مقررات حقوق بین الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، به ویژه با آن دسته از اصول و قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی و نیز تعهدات خاص به موجب معاهدات و دیگر تعهداتی که صریحاً مربوط به سلاحهای هسته ای است، مطابق باشد». «در جریان جنگ هشت ساله، دولت عراق با کاربرد سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای نظامی و غیرنظامی ایران (حتی علیه اتباع خود در شهر حلبچه) ممنوعیتهای مندرج در اسناد مزبور (پروتکل ۱۹۲۵) را نقض کرد. در طول جنگ، عراق بارها سلاحهای شیمیایی را برای پیشبرد اهداف و برنامههای نظامی خود به کار برد. سابقه نخستین حمله ثبت شده شیمیایی عراق به ایران به اوایل جنگ، یعنی

* (dum - dum) نام محلی است در هند که برای نخستین بار این گلولهها در آن جا ساخته شدند.

۲۳ دی ماه ۱۳۵۹ مطابق با ژانویه ۱۹۸۱ باز می‌گردد در جریان این حمله که در منطقه‌ای بین هلاله و نی خزر در پنجاه کیلومتری غرب ایلام، رخ داد نیروهای ایرانی هدف حمله گلوله‌های شیمیایی نیروهای عراقی قرار گرفتند و مصدوم شدند.^۳ پس از آن در مقاطع مختلف زمانی، دولت عراق بارها علیه نیروهای ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.

در اکتبر ۱۹۸۳، دولت جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به اقدامات عراق، طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد، ضمن اعلام این مطلب که عراق بارها از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرده است، اعزام گروه کارشناسی را برای بررسی موضوع خواستار شد. در ۳ نوامبر ۱۹۸۳، ایران مجدداً تقاضای خود را تکرار کرد، اما پاسخ و اقدام فوری را دریافت نکرد. سکوت سازمان ملل در قبال این اقدامات عراق، دولت مزبور را در ارتکاب اعمال مجرمانه خود جری‌تر کرد. عراق هم‌زمان با عملیات خیبر در اسفندماه ۱۳۶۲ (مارس ۱۹۸۴) بار دیگر در منطقه عملیاتی طلایه و جزایر مجنون در حد وسیعی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد. جمهوری اسلامی ایران، بلافاصله موضوع را به دبیرکل سازمان ملل اطلاع داد و خواستار اعزام هیئتی برای بررسی موضوع شد. دبیرکل، این بار به درخواست ایران پاسخ داد و در ۸ مارس ۱۹۸۴، تصمیم خود را مبنی بر اعزام هیئتی به منطقه برای بررسی صحت و سقم موضوع اعلام کرد. هیئت مورد نظر دبیرکل (چهار کارشناس بر جسته از چهار کشور جهان) بلافاصله تشکیل و از تاریخ ۱۳ تا ۱۹ مارس، به ایران اعزام شد. هیئت پس از بررسی موضوع، گزارش خود را در ۲۱ مارس به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم کرد. دبیرکل نیز پس از مطالعه، گزارش آن را به همراه یادداشتی، در اختیار شورای امنیت قرار داد.^۴ در مجموع، گزارش هیئت کارشناسی دبیرکل با تأیید ادعاهای ایران از آن حکایت می‌کرد که عراق از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است، در گزارش این هیئت موارد زیر آمده بود:

الف) در مناطقی که به شرح بالا مورد بازدید کارشناسان قرار گرفت، سلاح‌های شیمیایی از طریق بمباران هوایی مورد استفاده قرار گرفته است؛ و

ب) انواع عناصر شیمیایی مورد استفاده عبارت بودند از گاز خردل و یک گاز مخرب اعصاب به نام تابون.^۵

واکنش شورای امنیت در برابر این گزارش راجع به اقدام تخلف‌آمیز عراق، تنها صدور یک بیانیه در تاریخ ۳۰

مارس ۱۹۸۴ بود. در این بیانیه، شورا به کارگیری سلاح‌های شیمیایی را که هیئت کارشناسان آن را گزارش کرده بودند به شدت محکوم کرد و خواستار رعایت پروتکل ۱۹۲۵ از سوی دو طرف مخاصمه شد.^۶ در این بیانیه، شورا هیچ اشاره‌ای به نام عراق - که مطابق گزارش مرتکب کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی شده بود - نکرد و به این ترتیب، با عدم توجه جدی خود به قضیه، دست این دولت را در ارتکاب جنایات بعدی خود باز گذاشت.

افزون بر هیئت کارشناسی دبیرکل، هیئت‌های کارشناسی بین‌المللی دیگری نیز اقدام عراق را در به کارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایران در زمان عملیات خیبر تأیید کردند. هیئت پزشکی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، یکی از هیئت‌های مزبور بود که پس از بازدید خود از تعدادی از مصدومان شیمیایی در بیمارستان‌های تهران در ۱۶ اسفند ۱۳۶۲، بیانیه‌ای به این مضمون صادر کرد: «بر روی ۱۶۰ رزمنده‌ای که از آنان بازدید به عمل آمد، یک سری آثار و علائم مشاهده شد که وضعیت عمومی نگران‌کننده‌ای را تشکیل می‌دهد است. این آثار و علائم نشان دهنده آن بود که اخیراً از محصولاتی که قوانین جنگی آن را منع کرده استفاده شده است... کمیته بین‌المللی صلیب سرخ شدیداً اخطار می‌نماید که کاربرد مواد سمی در میدان جنگ با احترام به اصول انسانی مغایرت دارد و تجاوز به مقررات عرفی در قوانین جنگ محسوب می‌گردد.»^۷

حتی خود مقامات عراقی نیز کاربرد سلاح‌های شیمیایی را رد نکردند و در اظهارات و سخنرانی‌های خود، تلویحاً و تصریحاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در جنگ به منزله یک حق برای خود محفوظ دانستند. برای نمونه، در همان زمان، هاشم صباح‌الفخری، ژنرالی که فرمانده عملیات شمال بصره را بر عهده داشت، در مصاحبه با خبرنگاران اظهار کرد که کشورش این حق را برای خود محفوظ نگاه می‌دارد که از سلاح شیمیایی استفاده کند.^۸

متأسفانه شورای امنیت تمام شواهدی را که مؤید کاربرد سلاح شیمیایی از سوی عراق بود، در تصمیم ۳۰ مارس ۱۹۸۴ خود نادیده گرفت و بدون این که متخلف را به صراحت مشخص کند و برای پیشگیری اعمال مشابه آن در آینده اقدام مؤثری انجام دهد، به صدور یک بیانیه بسنده کرد. بیانیه ۳۰ مارس ۱۹۸۴ شورای امنیت، همان طور که انتظار می‌رفت نتوانست از کاربرد سلاح‌های شیمیایی از

سوی عراق جلوگیری کند و در اسفند ۶۳ و فروردین ماه ۶۴ (مارس ۱۹۸۵)، این کشور در جریان عملیات بدر مجدداً از این سلاح‌ها استفاده کرد. بلافاصله پس از این اقدام جمهوری اسلامی ایران، موضوع را به دبیرکل سازمان ملل گزارش و خواستار بررسی و تحقیق موضوع شد. دبیرکل دکنتر مانوئل دمیگوئز یکی از اعضای هیئت کارشناسی قبلی راه، مأمور بازدید و معاینه مصدومان شیمیایی ایران، که در چند بیمارستان اروپا بستری شده بودند، کرد. دکتر دمیگوئز از بازدید خود گزارشی به عنوان دبیرکل به این مضمون تهیه کرد:

« ۱) سلاح‌های شیمیایی در خلال ماه مارس (۱۹۸۵) در جنگ ایران و عراق به کار گرفته شده است؛

۲) از گاز اپیریت استفاده شده، که به سربازان ایران صدمه زده است؛

۳) بنا به اظهار اکثر بیماران، حمله با بمب‌هایی که از هواپیما رها شده، صورت گرفته است؛ و

۴) احتمال دارد که گاز هیدروسیانیک به تنهایی یا همراه با گاز اپیرت به کار رفته باشد».^{۱۸}

دبیر کل، همانند مورد قبل، گزارش مزبور را نیز به همراه نامه‌ای به شورای امنیت تسلیم کرد. شورا پس از بررسی گزارش، طبق نامه دبیرکل و سایر اسناد و مدارک مربوط به بیانیه‌ای را در ۲۵ آوریل ۱۹۸۵ صادر کرد. در این بیانیه، شورا ضمن ابراز تأسف و نگرانی از حمله شیمیایی عراق علیه نیروهای ایرانی در مارس ۱۹۸۵، استفاده از این سلاح‌ها را به هر نحوی محکوم کرد و بار دیگر، از دوطرف مخاصمه خواست که مقررات پروتکل ۱۹۲۵ را رعایت و از توسل به سلاح‌های شیمیایی در آینده خودداری کنند.

این امر که بیانیه ۲۵ آوریل شورا، کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی در مارس ۱۹۸۵ را تأیید کرد، باید از قسمت‌های مثبت بیانیه به حساب آورد. با وجود این همانند بیانیه مارس ۱۹۸۴ از شناسایی عراق به منزله دولتی که سلاح‌های مزبور را علیه نیروهای ایرانی به کار برده است، طفره رفت و حاضر نشد متخلف را شناسایی و به جامعه بین‌المللی معرفی کند.

بالطبع، بیانیه آوریل ۱۹۸۵ شورا نیز نمی‌توانست از کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق جلوگیری کند و تضمینی برای جلوگیری از تخلفات جدی آن دولت در آینده محسوب شود. چند ماه بعد، هنگامی که عراق بار دیگر در عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو (۲۰ بهمن ۶۴ برابر با ۹ فوریه ۱۹۸۶) برای جبران شکست‌های سنگین از

سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد. جمهوری اسلامی ایران، آن را به دبیرکل اطلاع داد و خواستار اعزام هیئتی به منطقه برای بررسی موضوع شد. عراق هم، ضمن انکار ادعای ایران، متقابلاً ایران را به کاربرد سلاح‌های شیمیایی متهم کرد و برای بررسی این مسئله خواستار اعزام هیئت کارشناسی به عراق شد. قبل از این که دبیرکل هیئت‌های کارشناسی را به هر دو کشور اعزام کند، در ۱۴ فوریه ۱۹۸۶، شورای امنیت، خود، رأساً تشکیل جلسه داد و موضوع را بررسی کرد. نتیجه بررسی‌های شورای امنیت صدور قطع‌نامه ۵۸۲ در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ بود. طبق این قطع‌نامه، شورا صرفاً تعهد هر دو دولت ایران و عراق را نسبت به مقررات پروتکل ۱۹۲۵ یادآور شد و از نقض حقوق انسانی در جنگ، به ویژه کاربرد سلاح‌های شیمیایی، ابراز تأسف کرد.^{۱۹}

همان‌طور که پیداست محتوای این قطع‌نامه چیزی جز تکرار ضعیف بیانیه‌های قبلی شورا نبود و عمق فاجعه‌ای را که در آن مقطع زمانی اتفاق افتاد، منعکس نمی‌کرد. خود دبیرکل هم به ظاهر پاسخ شورا را در قالب قطع‌نامه ۵۸۲ کافی ندانست و بلافاصله پس از صدور قطع‌نامه، هیئتی را برای بررسی موضوع از ۲۶ فوریه تا ۳ مارس ۱۹۸۶ به ایران اعزام کرد. هر چند هیئت مزبور به منطقه جنگی اعزام نشد، اما پس از بررسی و بازدیدهای خود از بیمارستان‌ها و مصدومان، به این نتیجه رسید که عراق مجدداً سلاح‌های شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی به کار برده است.^{۲۰} دبیرکل پس از تأیید گزارش هیئت اعزامی به ایران و ابراز تأسف از کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایران، موضوع را طی یادداشتی به شورای امنیت ارجاع داد. شورا مسئله را بررسی و بیانیه‌ای را در ۲۱ مارس ۱۹۸۶ صادر کرد. در این بیانیه، اعضای شورا، عمیقاً از نتیجه‌گیری متفق‌القول گزارش کارشناسان که حاکی از کاربرد سلاح شیمیایی عراق علیه نیروهای ایران در جریان حمله ایران به داخل سرزمین عراق (عملیات والفجر ۸) بوده است ابراز نگرانی کردند و قویاً کاربرد سلاح‌های شیمیایی را در جنگ که با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مغایر بوده است، محکوم کردند. همان‌طور که پیداست، در این بیانیه، شورای امنیت برای نخستین بار عراق را عامل استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی دانست، اما همانند موارد قبل نتوانست تدابیر و اقدامات مؤثری را برای پیشگیری از تکرار فاجعه در آینده اتخاذ کند. در پی تصویب این بیانیه، جمهوری اسلامی ایران این موضوع را طی اظهار نظری

استفاده مکرر از سلاح‌های شیمیایی را که با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در تناقض آشکار است قویاً محکوم می‌کند».

در این بیانیه نیز، شورا به صراحت با آوردن نام عراق از این کشور به منزله به کار برنده سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی (حتی افراد غیر نظامی) یاد کرد، اما همانند موارد قبل نخواست (یا نتوانست) اقدام مقتضی را برای پیش‌گیری از تکرار فاجعه در آینده اتخاذ کند. با توجه به همین وضعیت بود که وزارت خارجه ایران، طی واکنش اعتراض آمیزی به بیانیه ماه ۱۹۸۷ شورا، تأیید صرف جنایات رژیم عراق از سوی شورای امنیت را کافی ندانست و خواستار اقدامات مؤثرتری شد. در بیانیه‌ای که وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در این باره صادر کرد، اعلام کرد:

« ادامه و تشدید کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، جنایتی علیه بشریت است و انتظار بر این بود که شورای امنیت با صدور یک قطع‌نامه مستقل ترتیبات عملی

راجع به بیانیه شورا یادآور شد و ضمن استقبال از تلاش‌های دبیرکل، از شورای امنیت خواست که طی قطع‌نامه جداگانه‌ای، عراق را محکوم و تدابیر عملی و مؤثری را برای جلوگیری از تکرار این مسئله در آینده اتخاذ کند.^{۲۰} در فروردین ماه ماه ۱۳۶۶، عراق مجدداً نیروهای ایرانی را در جبهه‌های غرب و جنوب هدف حملات شیمیایی قرار داد، بازهم مانند موارد قبل، مقامات ایرانی بلافاصله پس از اطمینان از به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، موضوع را به دبیرکل سازمان ملل اطلاع دادند و خواستار اعزام هیئتی برای بررسی موضوع شدند. عراق نیز دوباره ادعا و درخواست مشابهی را مطرح کرد، در پی این دو درخواست، هیئت کارشناسان از تاریخ ۲۲ تا ۲۹ آوریل ۱۹۸۷ به ایران و ۲۹ آوریل تا ۳ مه ۱۹۸۷ به عراق اعزام شدند و موضوع را بررسی کردند و سرانجام، گزارش خود را به دبیرکل تسلیم نمودند. در نتیجه‌گیری گزارش هیئت کارشناسان راجع به ایران آمده بود:

مقامات عراقی نیز کاربرد سلاح‌های شیمیایی را رد نکردند و در اظهارات و سخنرانی‌های خود، تلویحاً و تصریحاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در جنگ به منزله یک حق برای خود محفوظ دانستند

و مؤثری را برای مجازات عراق و توقف کاربرد سلاح‌های شیمیایی معمول می‌داشت».^{۲۱}

هر چند که صدور بیانیه ۱۴ مه ۱۹۸۷ شورای امنیت و آشکار کردن جنایت‌های عراق در آن بیانیه، موجی از محکومیت‌های جهانی را برای عراق در برداشت و منزلت بین‌المللی این دولت را، به منزله دولتی که ناقض اصول بشر دوستانه است، تا حدود زیادی متزلزل کرد، با این حال، باز هم از به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق جلوگیری نکرد و در ۱۷ و ۱۹ مارس ۱۹۸۸، فرستادن چهار نامه به دبیرکل سازمان ملل اظهار کرد که عراق در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰، در منطقه کردنشین حلبچه در شمال خاک خود و همین‌طور در مناطق اطراف مریوان در مقیاس بسیار گسترده‌ای از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و افراد غیرنظامی استفاده کرده است. در این نامه‌ها، ایران از دبیرکل خواست که در اسرع وقت، هیئت کارشناسی را برای بررسی موضوع به ایران و منطقه اعزام کند. عراق نیز متقابلاً مدعی شد که ایران از سلاح‌های شیمیایی در منطقه حلبچه استفاده کرده است و خواستار اعزام هیئت کارشناسی به بغداد برای بررسی قضیه شد.^{۲۲} دبیرکل، دکتر دمینگوئز را مأمور کرد تا طی سفر به هر دو

الف) نیروهای عراق بارها از سلاح‌های شیمیایی، بمب‌های هوایی و به احتمال زیاد راکت علیه نیروهای ایران استفاده کرده‌اند عنصر شیمیایی که مورد استفاده قرار گرفته گاز خردل و در برخی موارد احتمالاً عناصر عصبی بوده است؛ و

ب) نکته جدید این است که غیرنظامیان نیز در ایران بر اثر کاربرد سلاح‌های شیمیایی مجروح شده‌اند».^{۲۳}

دبیرکل این گزارش را به همراه یادداشتی به شورای امنیت تسلیم کرد. وی در یادداشت خود، از کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق علیه نیروهای ایرانی ابراز تأسف کرد و خواستار رعایت جدی مقررات پروتکل ۱۹۲۵ از سوی عراق شد. شورای امنیت نیز موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داد و در نهایت نیز در ۱۴ مه ۱۹۸۷، بیانیه‌ای را به این مضمون صادر کرد:

«اعضای شورا که از نتیجه‌گیری‌های متفق‌القول کارشناسان مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایران از سوی نیروهای عراق که به کرات صورت گرفته است و غیرنظامیان در ایران نیز بر اثر سلاح‌های شیمیایی مجروح شده‌اند و نیروهای عراق از عناصر جنگ شیمیایی متحمل جراحاتی شده‌اند، عمیقاً وحشت زده شده و یکبار دیگر

کشور موضوع را بررسی کند. وی پس از سفر به ایران و عراق و ملاقات با مصدومان شیمیایی، گزارش خود را تهیه و به دبیرکل تسلیم کرد. در بخشی از گزارش دکتر دمنیگوئر راجع به ایران این طور آمده بود:

«الف) بر اساس بررسی های کلینیکی که در جمهوری اسلامی ایران به عمل آوردم، به این نتیجه قطعی رسیدم که بیماران با سلاح های شیمیایی مصدوم شده اند تعداد قابل توجهی از این بیماران غیر نظامی بودند.

ب) عنصر اصلی مخرب شیمیایی به کار گرفته شده گاز خردل بوده و هم چنین عنصر غالب استیلوکولین استریس نیز مورد استفاده قرار گرفته بود».^{۳۳}

دکتر دمنیگوئر در گزارش خود مصدومیت نیروهای نظامی عراق با سلاح های شیمیایی را نیز تأیید و اعلام داشت: «بر اساس بررسی های کلینیکی که در عراق به عمل آوردم بیمارانی که همه نظامی بودند، با سلاح های شیمیایی مصدوم شده اند». لیکن به این موضوع اشاره نکرد که آیا بیماران عراقی را ایران مصدوم کرده است یا نه؟ دبیرکل گزارش مزبور را به همراه نامه ای به شورای امنیت تسلیم کرد. شورا نیز موضوع را مورد بررسی قرار داد و سرانجام در ۹ می ۱۹۸۸، قطع نامه ۶۱۲ خود را صادر کرد. در این قطع نامه، شورا پس از ابراز نگرانی از کاربرد سلاح های شیمیایی در مقیاس وسیع در جنگ ایران و عراق، استفاده از

سلاح های شیمیایی را با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مغایر اعلام کرد و دو طرف را به رعایت مفاد مقررات پروتکل مزبور ملزم دانست و بر آن تأکید کرد. همین طور شورا از تمامی کشورها خواست که صدور تولیدات شیمیایی خود را به کشورهای دیگر کنترل کنند یا بر شدت کنترل های موجود بیفزایند. هر چند قطع نامه ۶۱۲، وقوع عمل کاربرد سلاح های شیمیایی را تأیید کرد، به نام هیچ یک از دو دولت عراق و ایران به منزله به کاربرنده سلاح های شیمیایی هیچ اشاره ای ننمود. این قطع نامه، دومین قطع نامه شورای امنیت درباره مسئله کاربرد سلاح های شیمیایی محسوب می شد، هر چند قبل از آن قطع نامه ۵۹۸ و پس از قطع نامه ۸۵۲ (نخستین قطع نامه شورا راجع به سلاح های شیمیایی) در مقررات خود کاربرد سلاح های شیمیایی را به منزله عامل نقض حقوق انسانی محکوم کرده بودند. جمهوری اسلامی ایران در واکنش به قطع نامه ۶۱۲، طی نامه ای به دبیرکل در ۱۶ مه ۱۹۸۸، اعلام کرد که شایسته بود قطع نامه نام عراق را به عنوان عامل کشتار حمله شیمیایی به مردم حلبچه و دسته جمعی آنان یادآور می شد و شورا نیز برای این دولت اقدامات تنبیهی و بازدارنده ای را در نظر می گرفت.^{۳۴}

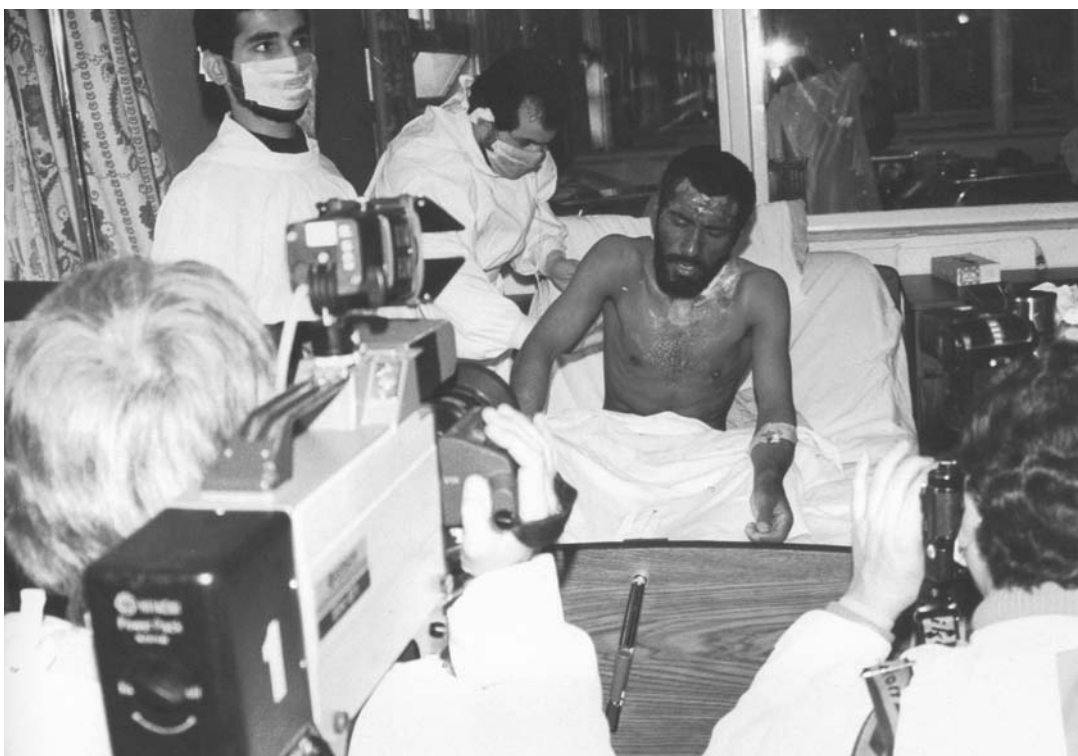
استفاده عراق از سلاح های شیمیایی، حتی پس از پذیرش رسمی قطع نامه ۵۹۸ سوی ایران نیز ادامه یافت. در ۹ مه ۱۹۸۸، جمهوری اسلامی ایران طی یادداشتی به

کشور موضوع را بررسی کند. وی پس از سفر به ایران و عراق و ملاقات با مصدومان شیمیایی، گزارش خود را تهیه و به دبیرکل تسلیم کرد. در بخشی از گزارش دکتر دمنیگوئر راجع به ایران این طور آمده بود:

«الف) بر اساس بررسی های کلینیکی که در جمهوری اسلامی ایران به عمل آوردم، به این نتیجه قطعی رسیدم که بیماران با سلاح های شیمیایی مصدوم شده اند تعداد قابل توجهی از این بیماران غیر نظامی بودند.

ب) عنصر اصلی مخرب شیمیایی به کار گرفته شده گاز خردل بوده و هم چنین عنصر غالب استیلوکولین استریس نیز مورد استفاده قرار گرفته بود».^{۳۳}

دکتر دمنیگوئر در گزارش خود مصدومیت نیروهای نظامی عراق با سلاح های شیمیایی را نیز تأیید و اعلام داشت: «بر اساس بررسی های کلینیکی که در عراق به عمل آوردم بیمارانی که همه نظامی بودند، با سلاح های شیمیایی مصدوم شده اند». لیکن به این موضوع اشاره نکرد که آیا بیماران عراقی را ایران مصدوم کرده است یا نه؟ دبیرکل گزارش مزبور را به همراه نامه ای به شورای امنیت تسلیم کرد. شورا نیز موضوع را مورد بررسی قرار داد و سرانجام در ۹ می ۱۹۸۸، قطع نامه ۶۱۲ خود را صادر کرد. در این قطع نامه، شورا پس از ابراز نگرانی از کاربرد سلاح های شیمیایی در مقیاس وسیع در جنگ ایران و عراق، استفاده از



به دست آوردیم، با تأسف فراوان به این نتیجه رسیدیم که، بر خلاف درخواست های مکرر سازمان ملل، سلاح های شیمیایی علیه شهروندان غیرنظامی ایران در منطقه مجاور یک شهر که در برابر چنین حملاتی فاقد هر گونه دفاع است، به کار گرفته شده است. این واقعیت که کودکان نیز قربانی شده اند یکبار دیگر عواقب غیرقابل قبول چنین حملاتی را ثابت می کند. استفاده از سلاح های شیمیایی علیه غیرنظامیان مشخصاً حمله به وجدان بشری است و باید قویاً مردود شناخته شود. افزون بر این واقعه قابل تأسف زمانی رخ می دهد که احتمال رسیدن به صلح در منازعه بین ایران و عراق به طرز بارزی افزایش یافته است.»

در نهایت، شورای امنیت پس از دریافت گزارش مزبور از دبیرکل و بررسی آن و نیز بررسی موضوعات مربوطه دیگر، قطع نامه ای به شماره ۶۲۰ در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ صادر کرد. در این قطع نامه، شورا پس از ابراز تأسف از استمرار کاربرد سلاح های شیمیایی در مناقشه میان ایران و عراق و ابراز نگرانی از خطر استفاده احتمالی از سلاح های شیمیایی در آینده و اعلام عزم راسخ خود مبنی بر پایان دادن به هر گونه استفاده از سلاح شیمیایی در حال و آینده، کاربرد مجدد سلاح شیمیایی در مناقشه بین ایران و عراق را با پروتکل ۱۹۲۵ و قطع نامه ۶۱۲ خود مغایر دانست و آن را محکوم کرد. در این قطع نامه، شورا بار دیگر از تمامی دولت های صادر کننده محصولات شیمیایی خواست که بر محصولات شیمیایی صادراتی خود به صورت جدی نظارت کنند تا بتوانند از کاربرد این محصولات در ساخت سلاح های شیمیایی جلوگیری به عمل آورند و در بند پایانی خود نیز، هشدار داد که مصمم است کاربرد سلاح های شیمیایی در آینده را که با حقوق بین الملل مغایر است به طور جدی پی گیری کند و مطابق منشور، اقدامات مؤثری را بر ضد به کار گیرندگان آنها اتخاذ نماید. به گمان برخی از صاحب نظران، این هشدار شورا در قطع نامه ۶۲۰ مؤثر واقع شد و از کاربرد سلاح شیمیایی در مناقشات بعدی جلوگیری کرد و اگر به موقع نیز تصویب می شد چه بسا جان هزاران انسان بی گناه و مظلوم از گزند این سلاح ها مصون باقی می ماند.

۲) نقض مقررات مربوط به حمایت از غیرنظامیان و

اماکن غیرنظامی

مصون و دورنگاه داشتن اماکن و افراد غیرنظامی از

دبیرکل سازمان ملل اطلاع داد که عراق علیه مردم چند دهه و دهکده در منطقه غرب و جنوب ایران از سلاح شیمیایی استفاده کرده است. بنا به درخواست ایران، دبیرکل، آقای دکتر دمینگوئز را به همراه دکتر اریک دالگون برای بررسی موضوع به ایران فرستاد. آنها پس از بررسی موضوع، در گزارش خود به دبیرکل چنین اعلام کردند:

« الف) بر اساس بررسی های کلینیکی به عمل آمده در جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه قطعی رسیدیم که بیماران با سلاح های شیمیایی مصدوم شده اند.

ب) در منطقه حمید در جنوب غربی اهواز که مورد بررسی هیئت قرار گرفت، تجزیه نمونه های خاک و قطعات سلاح به کار برده شده نشان داد که سلاح های شیمیایی علیه مواضع ایران به کار رفته است.

ت) از بررسی قطعات سلاح به کار برده شده نتیجه گرفته می شود که بمب هایی شبیه آنچه در سال های ۱۹۸۴، ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ به کار برده شده است، این بار نیز مجدداً علیه نیروهای ایرانی در داخل سرزمین عراق استفاده شده است.

ث) در حالی که به علت ضیق وقت و کمبود منابع، نتیجه گیری قاطعی درباره دامنه و وسعت کاربرد سلاح های شیمیایی میسر نیست، یافته های مأموریت های قبلی این نتیجه گیری را تأیید می کند که استفاده از سلاح های شیمیایی در مقیاس بیشتر و به دفعات زیاده تر انجام شده است.»^{۲۶}

دبیرکل گزارش مزبور را طی نامه ای به شورای امنیت اطلاع داد. در مقابل، عراق نیز ادعا کرد که نیروهای ایرانی از سلاح های شیمیایی استفاده کرده اند؛ بنابراین، برای بررسی موضوع خواستار اعزام هیئتی به بغداد شد. هیئت مورد نظر به عراق اعزام شد و پس از بررسی موضوع، گزارش خود را به دبیرکل تسلیم کرد. دبیرکل نیز طی یادداشتی گزارش هیئت را به شورا اطلاع داد، اما شورا به گزارش ها و ادعاهای دوطرف رسیدگی نکرده بود که جمهوری اسلامی ایران در ۳ اوت ۱۹۸۸ طی یادداشتی به دبیرکل اعلام کرد که عراقی ها بار دیگر سلاح های شیمیایی را در منطقه شیخ عثمان (مجاور شهر اشنویه) به کار برده اند؛ بنابراین، دبیرکل نیز هیئتی را برای بررسی موضوع از تاریخ ۱۲ تا ۱۴ اوت ۱۹۸۸ به ایران اعزام کرد. هیئت اعزامی، پس از بررسی های خود ادعای ایران را مبنی بر استفاده عراق از سلاح های شیمیایی در منطقه تأکید کرد و در مقدمه گزارش خود، چنین نوشت:

« با توجه به شواهدی که در حین مأموریت خود



هدف دولت عراق از جنگ شهرها اعمال فشار روانی و اجتماعی بر مردم و مقامات ایران برای تخریب روحیه مبارزه و مقابله با آنها بوده است. از همان آغاز جنگ، حمله عراق به شهرها و مناطق مسکونی ایران آغاز شد و طی مراحل مختلف تقریباً تا اواخر جنگ ادامه پیدا کرد

حرمت غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی را از راه اتخاذ اقدامات احتیاطی* و تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی رعایت و از توسعه جنگ به آنها جلوگیری کنند. این پروتکل تصریح کرده است که در جریان مخاصمه، به محض این که ثابت شود حملات انجام شده علیه اهداف دشمن اهداف نظامی نبوده یا ماهیت حملات طوری بوده است که خسارات و آسیب‌هایی را به غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی وارد کرده است در حدی که میزان خسارات و آسیب‌ها، بیش از فواید نظامی آن عملیات باشد، باید متوقف شود. طبق این پروتکل، دو طرف مخاصمه هم چنین متعهد هستند^{۲۸} که سایر اقدامات احتیاطی لازم را نیز اتخاذ کنند تا جمعیت غیرنظامی را از اثرات جنگ دور نگه دارند. تعهد دیگر دو طرف مخاصمه در قبال غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی تعهد از نوع سلبی است، یعنی دو طرف مخاصمه نمی‌توانند علیه غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی به اقداماتی متوسل شوند که حقوق مخاصمات مسلحانه و بشر دوستانه آنها را نهد و منع کرده است. پروتکل ضمیمه به کنوانسیون‌های ژنو (پروتکل اول) به منزله یک قاعده کلی مقرر داشته است که حمله به اهداف غیرنظامی** ممنوع است^{۲۹} و حملات متخاصمان تنها باید علیه اهداف نظامی

آسیب‌ها و تبعات جنگ و منازعات مسلحانه از جمله دغدغه‌های حقوق مخاصمات مسلحانه و بشر دوستانه از بدو پیدایش آن بوده است. این حقوق با وضع مقررات و قواعد لازم سعی کرده است که جنگ را به جبهه‌های جنگ و نظامیان محدود کند و از توسعه آن به اماکن غیرنظامی و افرادی که هیچ مشارکتی در جنگ ندارند پیشگیری نماید. اسناد و مقرراتی که در این زمینه تدوین و منعقد شده است سلسله تعهداتی را برای دولت‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه مقرر کرده که ملزم به رعایت آن هستند.

به طور کلی، در جریان مخاصمات مسلحانه، دو طرف درگیر دو نوع تعهد اساسی را در قبال غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی بر عهده گرفته‌اند که عبارت انداز: تعهدات ایجابی و سلبی.

منظور از تعهدات ایجابی این است که دولت‌های درگیر در منازعات مسلحانه ملزم هستند با اتخاذ یک سلسله تدابیر و اقدامات از توسعه جنگ به غیرنظامیان و اماکن غیر نظامی جلوگیری کنند. شالوده این تعهد به طورجالبی در پروتکل اول ضمیمه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مقرر شده است. طبق این پروتکل،^{۳۰} دو طرف (دولت‌های) درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی باید

* Precautionary measures

** Civilian Objects

دو ساختمان - در آن دیده نمی شود. بمب هایی که بر مناطق مسکونی شهر بانه ریخته شده، از نوع خوشه ای بوده است که معمولاً با تلفات جانی زیاد و تخریب کم توأم است... منطقه ای از دزفول را مشاهده کردیم که مورد حمله موشکی عراق قرار گرفته و صدها قربانی غیرنظامی داشته است. این منطقه مسکونی است و با توجه به این که در حول و حوش پادگان یا تأسیسات نظامی قرار نداشته حمله فوق نمی توانست به اشتباه صورت بگیرد».^{۳۳}

دبیرکل، گزارش هیئت را به شورای امنیت تسلیم کرد. شورا علی رغم بررسی موضوع، تصمیم در خور توجه و بازدارنده ای را اتخاذ نکرد و تنها در یکی از بندهای قطع نامه ۵۴۰ خود (بند ۲)، مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳، حمله به

انجامی شود. در صورتی که دو طرف درباره نظامی بودن یا نبودن هدفی تردید داشته باشند، باید آن را هدف غیرنظامی در نظر بگیرند و از حمله به آن خودداری کنند، پروتکل به صراحت، هم چنین دو طرف درگیر منازعات مسلحانه را از حمله به اماکن مذهبی و فرهنگی،^{۳۴} سدها و نیروگاه های هسته ای^{۳۵} منع کرده است و از آنها خواسته که در جریان جنگ به روش ها و اقداماتی متوسل نشوند که موجب آلودگی یا تخریب محیط زیست شود.^{۳۶} امروزه، تقریباً تمامی مقررات راجع به حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه جنبه عرفی دارد؛ بنابراین، برای دولت هایی که اسناد مربوط به آن مقررات را تصویب نکرده اند نیز، الزام آوراست.

در طول جنگ تحمیلی، دولت عراق با حمله خود به مناطق مسکونی و شهری مقررات مربوط به مصونیت غیرنظامیان و اماکن غیر نظامی را نیز مورد تعرض قرار داد. هدف دولت عراق از حمله به مراکز مسکونی و شهری (جنگ شهرها) اعمال فشار روانی و اجتماعی بر مردم و مقامات ایران برای تخریب روحیه مبارزه و مقابله با آنها بوده است. از همان آغاز جنگ، حمله عراق به شهرها و مناطق مسکونی ایران آغاز شد و طی مراحل مختلف تقریباً تا اواخر جنگ ادامه پیدا کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز از همان آغاز بارها طی یادداشت هایی به سازمان ملل متحد به این نوع حملات عراق اعتراض و آنها را نقض قوانین و مقررات جنگ اعلام کرد.

در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲، جمهوری اسلامی ایران از دبیرکل سازمان ملل متحد خواست که هیئتی را برای بازدید از مناطق مسکونی ایران، که با حمله عراق در جنگ تخریب شده است، اعزام کند در ۲ مه ۱۹۸۳، ایران این خواسته خود را، از راه نماینده دائمی خود در سازمان ملل، تکرار کرد. عراق نیز در مقابل، ادعا و درخواست مشابهی را مطرح کرد. در ۲۰ مه ۱۹۸۳، هیئت مورد درخواست ایران به دستور دبیرکل، به ایران وارد شد و به مدت هفت روز از شهرهای تهران، دزفول، اندیمشک، پل دختر، موسیان، دهلران، آبادان، خرمشهر، هویزه، سوسنگرد سرپل ذهاب و قصر شیرین بازدید کرد و در پایان بازدید، نتایج بررسی خود را طی گزارشی به دبیرکل تسلیم نمود. گزارش هیئت اعزامی دبیرکل مؤید حملات عراق به شهرها و اماکن غیرنظامی و مسکونی بود. در بخشی از گزارش هیئت آمده بود: «شهر هویزه در جریان حملات هوایی و زمینی عراق به کلی ناپدید شده و هیچ اثری از درخت یا ساختمان - بجز

هر چند شدت جنایت عراق در طول جنگ از شدت جنایت ها در یوگسلاوی و رواندا کم تر نبود، اما شورای امنیت هیچ گاه در صدد برنیامد که به طور جدی، اقدام موثری برای پیشگیری از تکرار جنایت های عراق و محاکمه و مجازات عاملان آنها به عمل آورد

شهرها و مناطق مسکونی را ناقض کنوانسیون (کنوانسیون چهارم) ژنو تلقی و آن را محکوم کرد. هم چنین، از دو طرف خواست که هر چه زودتر به حملات خود علیه شهرها و اماکن مسکونی پایان دهند. عدم پاسخ جدی و قاطع شورای امنیت به این حملات عراق باعث شد که حملات مسکونی عراق به شهرها و مناطق مسکونی ایران، همانند حملات شیمیایی آن، تا آخرین لحظات جنگ ادامه یابد و تلفات جانی و مالی زیادی را بر غیر نظامیان ایران تحمیل کند. تنها پاسخ و واکنش شورای امنیت نسبت به چنین حملاتی ابراز و اعلام تأسف هایی بود که از دیدگاه وجدان سالم بشریت و اصول و مقررات شناخته شده بشردوستانه کافی و وافی تلقی نمی شد.

ملاحظات پایانی

مشابه تعرضاتی که دولت عراق در طول هشت سال جنگ تحمیلی به حقوق مخاصمات مسلحانه و بشر دوستانه نمود، چند سال بعد، در نقاط دیگری از جهان نیز اتفاق افتاد، اما این بار، شورای امنیت سیاست سکوت و بی تفاوتی را کنار گذاشت و سریعاً دست به کار شد و محاکم خاصی (یوگسلاوی و رواندا) را ایجاد کرد و

۱۱. عباس هدایتی خمینی؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۰.
۱۲. همان، صص ۱۸۱-۱۸۲.

13. S/16433 29 March 1984.

14. S/16454 30 March 1984.

۱۵. عباس هدایتی خمینی؛ پیشین؛ صص ۱۸۲-۱۸۳.

16. Newyourk times (5 March 1984).

۱۷. عباس هدایتی خمینی؛ پیشین؛ صص ۱۸۴-۱۸۵.

18. S/Res 582, 25 Feb. 1986.

۱۹. عباس هدایتی خمینی؛ پیشین، ص ۱۸۸.

۲۰. کیهان، ۱۳۶۵/۷۵، ص ۱۸۸.

21. S/18852. 8 May pp.5-6, 18-19.

۲۲. عباس هدایتی خمینی؛ پیشین؛ ص ۱۹۳.

۲۳. همان، صص ۱۹۴-۱۹۵.

24. S/19823, 25 AP 1988. pp.6-16-17.

۲۵. عباس هدایتی خمینی، پیشین، ص ۲۰۰.

26. S/20060, 20 July 1988. pp.2-3, 15-16.

27. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the protection of victims of International armed conflicts (protocol I) 8 June 1977, Art, 57.

28. Ibid, Art 58.

29. Ibid, Art 52.

30. Ibid, Art 53.

31. Ibid, Art 56.

32. Ibid, Art. 55.

33. S/15834, 20 June, 1983.

متعرضان به مقررات آن حقوق را به پای میز محاکمه کشاند. شدت جنایت‌هایی که دولت عراق در طول هشت سال جنگ تحمیلی مرتکب شد، به هیچ وجه از جنایت‌هایی که چند سال بعد در یوگسلاوی و رواندا اتفاق افتاد، کم‌تر نبود، اما همان‌طور که گفته شد شورای امنیت هیچ‌گاه در صدد برنیامد که به‌طور جدی، اقدام موثری برای پیشگیری از تکرار جنایت‌های عراق و محاکمه و مجازات عاملان آنها به عمل آورد. البته، از این شورا چنین انتظاری نیز می‌رفت؛ شورایی که تهاجم آشکار و گسترده عراق به جمهوری اسلامی ایران و هشت سال تداوم جنگ را تنها وضعیت* بین دو دولت تلقی کرد و حتی حاضر نشد حمله مسلحانه عراقی‌ها با آن وسعت و گستردگی را به ایران، که خود مقامات عراقی نیز آن را تأیید کرده بودند، تأیید کند. هر چند ممکن است که سکوت شورا در قبال حمله مسلحانه عراق به ایران و نقض پی‌درپی اصول و مقررات جنگ از سوی این دولت، در چارچوب معادلات سیاسی آن دوره اعضای شورا توجیه‌پذیر باشد، اما، از دیدگاه مقررات حقوقی، اخلاقی و وجدان سالم بشریت، این اقدامات به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست و حافظه بشریت همچنان جنایت‌های عراق و سکوت‌های عامدانه شورای امنیت را به منزله بخشی از عملکرد تاریک آن سازمان در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، در خاطر خود حفظ خواهد کرد.

یادداشت‌ها

۱. هنگامه صابری؛ خدمات اجرا در حقوق بشر دوستانه؛ مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۸، صص ۱۱-۱۲.

2. ICJ, Reports, Advisory Opinion, 1996, P. 86

۳. محمدرضا ضیایی بیگدلی؛ حقوق جنگ؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۸۰.

۴. همان، صص ۸۱-۸۲.

۵. همان، ص ۱۶۵.

۶. همان، ص ۱۶۶.

۷. همان، ص ۱۷۸.

8. http://www.nacwc.gov.sg/The_chemical_index.htm.

9. ICJ Reports, 1996. Advisory opinion, paras 53-56

10. Ibid, para, 105, [C , D]

*Situeition